



دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

«فقه ۳»

رشته تفسیر و علوم قرآن

کتاب اللقطه

درس ۳

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای مصطفی عسگری

در درس گذشته، تتمه احکام لقطه بیان شد و گفتیم اگر لقطه قابل تعریف نبود وجوب تعریف ندارد. همچنین گفتیم تسلیم لقطه به حاکم شرعی و سقوط وجوب تعریف چه حکمی دارد. احکام صدقه دادن لقطه نیز مطرح شد و سپس ارائه مستندات و ادله احکام گذشته آغاز گردید. اما در این درس به ادله حکم لقطه در حرم پرداخته و اختلاف فقها درباره جواز یا عدم جواز اخذ لقطه حرم را بررسی خواهیم کرد. حکم بعدی که ادله آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد، وجوب یک سال تعریف برای لقطه غیر حرم و همچنین ادله سه عملی که یابنده بعد از یک سال مخیر بین آنها است را ارائه می‌کنیم.

٢- و اما لقطه الحرم المكي؛ ففي جواز اخذها خلافٌ و قد يستدل على عدم الجواز:

أ- بقوله تعالى: «أولم يروا أنا جعلنا حرماً آمناً»<sup>١</sup> بتقريب ان جعل الحرم المكي آمناً يلزم تحريم أخذ اللقطة منه.

ب- و بصحیحة فضیل بن یسار: «سألت أبا جعفر عليه السلام عن لقطة الحرم فقال: لا تمس ابدا حتى يجيء صاحبها فيأخذها. قلت: فان كان مالا كثيرا قال: فان لم يأخذها الا مثلك فليعرفها»<sup>٢</sup>.

ج- و بصحیحة یعقوب بن شعيب: «سألت أبا عبدالله عليه السلام عن اللقطة و نحن يومئذ بمنى فقال: اما بأرضنا هذه فلا يصلح، و اما عندكم فان صاحبها الذي يجدها يعرفها سنة في كل مجمع ثم هي كسبيل ماله»<sup>٣</sup>.

و الكل كما ترى. اما الاول فلان جواز اخذ لقطة الحرم لغرض تعريفها و ايصالها الى صاحبها لا ينافي جعله آمناً، فان المراد من جعله آمناً كون الانسان فيه آمناً على نفسه و ماله من القتل و النهب و لو بحق. و اما الثاني فلان الصحیحة بلحاظ ذيلها ادلّ على الجواز. و اما الثالث فلان تعبير «لا يصلح» بعد ملاحظة صحیحة فضیل السابقة يراد به الكراهة. و عليه فالمناسب هو القول بالجواز مع الكراهة. و قد يؤكد الجواز - مضافا الى ما تقدم - بصحیحة ابراهيم بن عمر عن ابي عبدالله عليه السلام: «اللقطة لقطتان: لقطة الحرم و تعرف سنة، فان وجدت صاحبها و الا تصدقت بها، و لقطة غيرها تعرف سنة فان لم تجد صاحبها فهي كسبيل مالك»<sup>٤</sup>.

و اما أنّه يلزم في اللقطة التعريف لمدة سنة و بعدها يثبت التخيير بين الامور الثلاثة المتقدمة فهو المعروف بين الاصحاب، و يمكن الاستدلال على ذلك:

اما بالنسبة الى جواز التصديق مع الضمان فقد يتمسك له برواية حفص بن غياث: «سألت ابا عبدالله عليه السلام عن رجل من المسلمين أودعه رجل من اللصوص دراهم او متاعا و اللص مسلم هل يرد عليه؟ فقال: لا يرده فان امكنه ان يرده على اصحابه فعل و الا كان في يده بمنزلة اللقطة يصيبها فيعرفها حولا فان اصاب صاحبها ردها عليه و الا تصدق بها، فان جاء طالبها بعد ذلك خيرّه بين الاجر و الغرم، فان اختار الاجر فله الاجر، و ان اختار الغرم غرم له و كان الاجر له»<sup>٥</sup>. و قد رواها المشايخ الثلاثة.

و تمكن المناقشة في سندها لا من ناحية حفص فان امره سهل بالرغم من كونه عامي المذهب لتعبير الشيخ عن ه «له كتاب معتمد»<sup>٦</sup> و ان الطائفة قد عملت بأخباره<sup>٧</sup>. بل من ناحية اخرى.

<sup>١</sup>. العنكبوت، ٦٧.

<sup>٢</sup>. وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٣٦١، الباب ٢٨ من أبواب مقدمات الطواف، الحديث ٢.

<sup>٣</sup>. وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٣٦١، الباب ٢٨ من أبواب مقدمات الطواف، الحديث ١.

<sup>٤</sup>. وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٣٦١، الباب ٢٨ من أبواب مقدمات الطواف، الحديث ٤.

<sup>٥</sup>. وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٣٦٨، الباب ١٨ من أبواب اللقطة، الحديث ١.

<sup>٦</sup>. الفهرست، ص ٦١، الرقم ٢٣٢.

<sup>٧</sup>. العدة في الاصول، ص ٦١.

## محدوده حرم

محدوده حرم عبارت است از شهر مقدس مکه و اطراف آن (مثل منا و مشعرالحرام) که نمی‌توان بدون احرام وارد آن شد. حرم وسیع‌تر از شهر مکه است به طوری که در گذشته، همه مکه داخل حرم محسوب می‌شد (یعنی بین حرم و مکه، نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار بود به طوری که حرم شامل کل مکه و نیز قسمتهایی از خارج مکه می‌شد). اما اکنون به جهت توسعه شهر، بعضی قسمتهای مکه از حرم خارج شده است.

## دلایل حرمت اخذ لقطه حرم

برای حرمت اخذ لقطه حرم<sup>۱</sup> به سه دلیل استدلال شده است:

**دلیل اول؛** آیه شریفه: «ما حرمی امن قرار دادیم». طبق آیه باید مال و جان مردم در حرم در امان باشد. که لازمه آن به عدم اخذ لقطه است؛ بنابراین تصرف در لقطه حرم و اخذ آن حرام است.

**دلیل دوم؛** صحیحہ فضیل یسار که او از امام درباره لقطه حرم پرسید و حضرت فرمودند: بھبیچ وجہ بہ آن دست نزنید اگر کسی بہ آن دست نزد صاحب آن، مال خود را پیدا می‌کند و بر می‌دارد. در ادامه فضیل پرسید اگر مال زیادی باشد ممکن است طمّاعین بہ آن طمع ورزند و آن مال کثیر را بردارند و مال هرگز بہ صاحبش نرسد. امام (ع) فرمودند: «اگر کسی مثل تو بردارد باید اعلان کند».

**دلیل سوم؛** صحیحہ یعقوب بن شعیب است کہ از امام از لقطه من ا سؤال کرد. حضرت اشاره بہ زمین کردند و فرمودند: «نباید در این زمین (منظور منی است) لقطه را بردارند».

## رد دلایل حرمت اخذ لقطه حرم

با سه دلیل مذکور حرمت اخذ لقطه حرم ثابت نمی‌شود و هر سه دلیل مردود است.

**رد دلیل اول؛** برداشتن لقطه حرم بہ قصد معرفی و پیدا کردن صاحب آن منافاتی با امن بودن حرم ندارد.

**رد دلیل دوم؛** ذیل صحیحہ فضیل بن یسار بیشتر از حرمت بر جواز دلالت دارد. زیرا امام می‌فرماید: «اگر مثل تو باشد بردارد و معرفی کند». بنابراین، این دلیل نیز قابل استدلال نیست.

**رد دلیل سوم؛** صحیحہ یعقوب بن شعیب دلالت بر حرمت دارد. اما با توجه بہ جواز اخذ لقطه حرم در روایت فضیل بن یسار بین دو روایت جمع کرده و با دست کشیدن از ظهور نهی در حرمت، آن را بر کراہت حمل می‌کنیم.

<sup>۱</sup> قبل از بیان حکم اخذ لقطه حرم، بحث درباره حرم و محدوده آن ضروری است؛ مقصود از حرم شهر مقدس مکه و اطراف آن است کہ بدون احرام نمی‌توان وارد آن شد. محدوده حرم وسیع‌تر از شهر مکه است. در گذشته نسبت بین حرم و مکه عموم و خصوص مطلق بود یعنی هر جا مکه بود حرم ہم بود ولی هر جایی کہ حرم بود مکه نبود. اما با توسعه‌ای کہ بہ شهر مقدس مکه داده شده است در حال حاضر قسمتی از شهر مکه حرم نیست. بنابراین اکنون نسبت بین شهر مکه و حرم عموم و خصوص من وجہ است. یعنی بعضی از حرم مکه است و بعضی از حرم مکه نیست. البته قسمت اعظم شهر، ہم مکه است ہم حرم، مانند مسجد الحرام. اما از مکه بہ طرف مدینہ کہ می‌آییم محدوده حرم تمام می‌شود ولی شهر مکه تمام نشده است و ہم‌چنین منا و مشعرالحرام جزء مکه محسوب نمی‌گردد، اما بدان حرم گفته می‌شود. ذکر این مقدمہ لازم بود تا بدانیم حرم فقط مسجدالحرام نیست بلکه معنای وسیع‌تری دارد.

علاوه بر استدلالی که برای جواز اخذ لقطه حرم ذکر شد به صحیحہ ابراہیم بن عمر ہم برای تأکید جواز استدلال می‌شود. در قسمتی از این صحیحہ امام می‌فرماید: لقطه حرم یکسال تعریف می‌شود. اگر صاحب آن پیدا شد به صاحب آن برمی‌گردد و اگر صاحب آن پیدا نشد از طرف او صدقه داده می‌شود.

### تطبیق

۲- و اما لقطه الحرم المکی؛ ففی جواز اخذها خلاف، و قد يستدل علی عدم الجواز:

۲- درباره جواز اخذ لقطه در حرم مکه اختلاف شده است. برای عدم جواز به سه دلیل استدلال شده است.

أ- بقوله تعالى: «أولم يروا أنا جعلنا حرماً آمناً»<sup>۱</sup> بتقريب ان جعل الحرم المکی آمناً یلازم تحریم اخذ اللقطه منه.

أ- آیه شریفه می‌فرماید: «آیا نمی‌بینند که ما حرم امن قرار دادیم؟» لازمه امن بودن حرم این است که مال و جان مردم در امان باشد و کسی به مال دیگری دست درازی نکند. پس برداشتن لقطه که مال دیگران است جایز نیست.

ب- و بصحیحة الفضیل بن یسار: «سألت ابا جعفر علیه السلام عن لقطه الحرم فقال: لا تمس ابدا حتی یجیء صاحبها فیأخذها. قلت: فان کان مالا کثیرا قال: فان لم یأخذها الا مثلک فلیعرفها»<sup>۲</sup>.

ب- در صحیحہ فضیل بن یسار آمده است: «از امام محمد باقر (علیه السلام) درباره لقطه حرم پرسیدم، فرمودند: به هیچ وجه دست زده نمی‌شود تا این که صاحبش بیاید. گفتم: اگر مال زیادی بود چه؟ فرمودند: اگر کسی همانند تو آن را بردارد باید آن را تعریف کند.

ج- و بصحیحة یعقوب بن شعیب: «سألت ابا عبدالله علیه السلام عن اللقطه و نحن یومئذ بمنی فقال: اما بأرضنا هذه فلا یصلح، و اما عندکم فان صاحبها الذی یجدها یعرفها سنة فی کل مجمع ثم هی کسبیل ماله»<sup>۳</sup>.

ج- در صحیحہ یعقوب بن شعیب آمده است: «وقتی در منا بودیم از امام صادق (ع) درباره لقطه پرسیدم، فرمودند: در این سرزمین ما جایز نیست اما در سرزمین شما اگر کسی پیدا کند، تا یک سال آن را در هر جمعی تعریف کند، اگر صاحبش پیدا نشد حکم مال خودش را دارد».

و الكل کما تری.

و هر سه دلیل ناتمام است.

اما الاول فلان جواز اخذ لقطه الحرم لغرض تعریفها و ایصالها الی صاحبها لا ینافی جعله آمناً، فان المراد من جعله آمناً کون الانسان فیہ آمناً علی نفسه و ماله من القتل و النهب و لو بحق.

<sup>۱</sup> . العنکبوت، ۶۷.

<sup>۲</sup> . وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۳۶۱، الباب ۲۸ من أبواب مقدمات الطواف، الحدیث ۲.

<sup>۳</sup> . وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۳۶۱، الباب ۲۸ من أبواب مقدمات الطواف، الحدیث ۱.

اشکال استدلال اول این است که برداشتن لقطه حرم برای تعریف کردن و رساندن به صاحبش با امن بودن حرم منافات ندارد، زیرا مراد از امن بودن حرم این است که انسان در آن بر جان و مالش از قتل و غارت<sup>۱</sup> در امان است<sup>۲</sup>.

و اما الثانی فلان الصحیحة بلحاظ ذیلها ادلّ علی الجواز.

اما صحیحه فضیل بن یسار به لحاظ عبارتی که در ذیل آن آمده بر جواز بیشتر دلالت دارد تا بر عدم آن.

و اما الثالث فلان تعبیر «لا یصلح» بعد ملاحظه صحیحة فضیل السابقة یراد به الکراهة.

اما اشکال دلیل سوم زیرا تعبیر «لا یصلح» در صحیحه یعقوب بن شعیب به قرینه صحیحه فضیل بن یسار حمل بر کراهت می شود.

و علیه فالمناسب هو القول بالجواز مع الکراهة.

بنابراین، آنچه مناسب است این است که قائل به جواز همراه کراهت باشیم.

و قد یؤكد الجواز - مضافا الى ما تقدم - بصحیحة ابراهیم بن عمر ابی عبدالله علیه السلام: «اللقطة لقطلق: لقطعة الحرم

و تعرف سنة، فان وجدت صاحبها و الا تصدقت بها، و لقطعة غيرها تعرف سنة فان لم تجد صاحبها فهي كسبيل

مالك»<sup>۳</sup>.

علاوه بر پیش گفته ها، صحیحه ابراهیم بن عمر از امام صادق (ع) جواز را مورد تأکید قرار می دهد. حضرت

فرمودند: «لقطه بر دو گونه است: لقطه حرم که یک سال تعریف می کنی اگر صاحبش را پیدا نکردی آن را صدقه

می دهی؛ و لقطه غیر حرم که تا یک سال تعریف می کنی اگر صاحبش را پیدا نکردی مانند مال خودت می باشد».

الف) دلالت آیه شریفه «و لم یروا انا جعلنا حرماً آمناً» بر امن بودن حرم؛	۱. دلایل عدم جواز اخذ لقطه حرم مکه	دلایل عدم جواز اخذ لقطه و اشکالات وارده
ب) دلالت صحیحه فضیل بن یسار بر این که لقطه حرم لمس نمی شود؛		
ج) دلالت صحیحه یعقوب بن شعیب بر اینکه اخذ لقطه در سرزمین حرم جایز نیست		
الف) اشکال دلیل اول: برداشتن لقطه حرم برای تعریف کردن و رساندن به صاحبش منافات با امن بودن حرم ندارد.	۲. اشکالات وارده بر دلایل عدم جواز	
ب) اشکال دلیل دوم: صحیحه فضیل بن یسار به لحاظ عبارتی که در		
ذیل آن آمده بر جواز بیشتر دلالت دارد تا بر عدم جواز.		
ج) اشکال دلیل سوم: «فلا یصلح» در صحیحه یعقوب بن شعیب به قرینه		
صحیحه فضیل بن یسار بر کراهت حمل می شود.		

<sup>۱</sup> . هر چند به حق باشد.

<sup>۲</sup> . از این رو اگر شخصی در خارج از حرم مکه مرتکب جنایتی شود و به حرم پناه آورد در حرم نمی تواند او را دستگیر کرد اما اگر در خود حرم مرتکب جنایتی شود او را می توان مجازات کرد.

<sup>۳</sup> . وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۳۶۱، الباب ۲۸ من أبواب مقدمات الطواف، الحدیث ۴.

## ادله تخيير بين سه امر

همان طور که گفتیم يابنده لقطه غير حرم پس از يکسال معرفی و پيدا نشدن صاحب آن بين سه امر مخير است:

(الف) از طرف صاحب مال صدقه بدهد ولی ضمان آن مال را بر عهده بگيرد؛

(ب) مانند مال خود با لقطه رفتار کند و ضامن باشد.

(ج) به عنوان امانت نگهدارد و ضامن نباشد.

تخيير بين اين سه امر بين اصحاب معروف است<sup>۱</sup>. نکته‌ای که قابل بررسی است صدقه دادن همراه ضمان مال

است؛ زیرا در صدقه نفعی برای يابنده نیست در حالی که باید ضامن هم باشد.

دلیل اين امر روايت حفص بن غياث است که از امام صادق (عليه السلام) آن را نقل می کند. اين روايت دلالت

خوبی دارد اما از نظر سند دارای مشکل است که در درس بعد بررسی خواهد شد.

## تطبيق

و اما انه يلزم في اللقطة التعريف لمدة سنة ، و بعدها يثبت التخيير بين الامور الثلاثة المتقدمة فهو المعروف بين

الاصحاب و يمكن الاستدلال على ذلك.

اینکه يابنده لقطه باید تا یک سال تعريف کند و پس از آن بين یکی از سه کار پيش گفته مخير است، اين قول بين

اصحاب مشهور است و می توان به امور زیر استدلال کرد:

اما بالنسبة الى جواز التصديق مع الضمان فقد يتمسك له برواية حفص بن غياث : «سألت ابا عبدالله عليه السلام عن

رجل من المسلمين أودعه رجل من اللصوص دراهم او متاعا و اللص مسلم هل يرد عليه؟

نسبت به جواز صدقه همراه با ضمان آن به روايت حفص بن غياث تمسك شده که گفت : از امام صادق (عليه

السلام) پرسيدم: دزدی به مردی از مسلمانان کالا يا دراهمی را به امانت می دهد آیا باید امانت را به آن دزد مسلمان

برگرداند؟

فقال: لا يرد فان امكنه ان يرده على اصحابه فعل و الا كان في يده بمنزلة اللقطة يصيبها فيعرفها حولا فان اصاب

صاحبها ردها عليه و الا تصدق بها، فان جاء طالبها بعد ذلك خير بين الاجر<sup>۲</sup> و الغرم، فان اختار الاجر فله الاجر، و ان

اختار الغرم غرم له و كان الاجر له<sup>۳</sup>. و قد رواها المشايخ الثلاثة.

امام فرمود: «به او بپنمی گرداند، اگر می تواند به صاحبش برگرداند و الا حکم لقطه‌ای را دارد که پيدا کرده است؛ تا

يکسال آن را تعريف کند اگر صاحبش را پيدا کرد به او رد کند و الا صدقه بدهد، اگر بعد از صدقه دادن صاحبش

<sup>۱</sup> . بیشتر بدانيد: ماده ۱۶۳ قانون مدنی مقرر می دارد: «اگر قيمت مال پيدا نشده یک درهم که وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره يا بیشتر باشد، پيدا کننده باید

يکسال تعريف کند و اگر در مدت مزبور صاحب مال پيدا نشد، مشاراليه مختار است که آن را به طور امانت نگاه دارد يا تصرف دیگری در آن بکند،

در صورتی که آن را به طور امانت نگاه دارد و بدون تقصير او تلف شود، ضامن نخواهد بود».

<sup>۲</sup> . مراد از اجر در اینجا ثواب صدقه می باشد.

<sup>۳</sup> . وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۶۸، الباب ۱۸ من أبواب اللقطة، الحديث ۱.

پیدا شد مخیرش کند بین اینکه حکم صدقه داشته باشد پس اجر صدقه را به صاحب مال می دهند و اگر راضی نشد باید غرامت آن را به صاحب مال بپردازد و ثواب صدقه برای او نوشته می شود» این روایت را مشایخ ثلاثه<sup>۱</sup> نقل کرده اند.

و تمكن المناقشة فی سندها لا من ناحية حفص

در سند روایت می توان از غیر جهت حفص بن غیاث اشکال نمود.

فان امره سهل بالرغم من كونه عامی المذهب لتعبير الشيخ عنه «له كتاب معتمد»<sup>۲</sup> و ان الطائفة قد عملت بأخباره<sup>۳</sup>.  
زیرا حفص بن غیاث با آن که سنی است ولی شیخ طوسی درباره اش گفته: کتابش مورد اعتماد است و طائفه به روایات او عمل کرده اند.

بل من ناحية اخرى.

بلکه اشکال از جهت دیگری است (که در درس آینده آن را مطرح می کنیم).

Sco۲: ۲۹:۲۵

<sup>۱</sup> . کلینی، صدوق و شیخ طوسی در کتب اربعه.

<sup>۲</sup> . الفهرست، ص ۶۱، الرقم ۲۳۲.

<sup>۳</sup> . العدة فی الاصول، ص ۶۱.



## چکیده

۱. جواز اخذ لقطه حرم مکه اختلافی است.
۲. دلایل عدم جواز اخذ لقطه حرم عبارت است از:  
الف) آیه شریفه «او لم یروا انا جعلنا حرماً آمناً» بدین تقریب که: امن بودن حرم مکی ملازم تحریم اخذ لقطه است.  
ب) صحیحہ فضیل بن یسار که طبق آن، امام (علیه السلام) فرمودند لقطه حرم نباید دست زده شود تا این که صاحبش پیدا شود.  
ج) صحیحہ یعقوب بن شعیب از امام رضا (علیه السلام) که آن حضرت در منا فرمودند: در این سرزمین ما جائز نیست کسی آن را بردارد.
۳. اشکال دلیل اول این است که برداشتن لقطه حرم برای تعریف کردن و رساندن به صاحبش منافات با ایمن بودن حرم ندارد.
۴. اشکال دلیل دوم این است که صحیحہ فضیل بن یسار به لحاظ عبارتی که در ذیل آن روایت آمده بیشتر دلالت بر جواز دارد تا عدم جواز.
۵. اشکال دلیل سوم اینکه؛ «فلا یصلح» در صحیحہ یعقوب بن شعیب به قرینه روایت فضیل بن یسار بر کراهت حمل می شود.
۶. از نظر مصنف، قول به جواز اخذ لقطه حرم از باب کراهت، قول مناسبی است.
۷. این حکم که یابنده لقطه در غیر حرم، باید تا یک سال معرفی کند و بعد از آن بین سه امر مخیر است . قول معروف بین اصحاب است.
۸. بپای این حکم که می تواند بعد از یک سال معرفی، لقطه را صدقه بدهد ولی ضامن است، به روایت حفص بن غیاث از امام صادق (علیه السلام) استدلال شده، که دلالتش خوب ولی سندش قابل تأمل است.